

گونه‌شناسی و انگیزه‌شناسی تألیفات رجالی*

□ قاسم بستانی^۱

□ عیسی محمودی مزرعاوی^۲

چکیده:

توجه به سند در اعتبارسنجی روایات از دیرباز نزد عالمان مسلمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و در این راستا تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و سند و رجال این روایات از ابعاد مختلفی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته‌اند، که حاصل آن کتابخانه‌ای بسیار غنی و متنوع با موضوعات، عناوین، رویکردها، اغراض و... مختلفی بوده است. لذا نیاز است تا نگاهی مجدد به این میراث علمی مسلمانان افکند و در تحقیقی مستقل، این تلاش‌ها جمع بندی، گونه‌شناسی و هدف‌شناسی گردد. در این مقاله که به صورت توصیفی انجام گرفته، تلاش شده است که دلایل فراوانی تألیفات رجالی و نیز گونه‌ها و فواید آنها بررسی گردد. در پایان این نتیجه حاصل می‌شود که مواردی همچون اختلاف و تفاوت حالات و اوصاف راویان و نیز جایگاه برخی از رجال و اهمیت نظرات آنها در جرح و تعدیل راویان، از جمله دلایل فراوانی و گوناگونی تألیفات رجالی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سند، رجال، راویان، تألیفات رجالی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول).

gbostanee@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز commaahmoodi1361@gmail.com

مقدمه

تحقیق و تفحص در مورد اوصاف راویان و وثاقت آنها یکی از ارکان اساسی قبول و یا مردود شمردن اخبار و روایات است که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است (حجرات/۶). توجه به اوصاف راوی نیز در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که امام علی علیه‌السلام در روایتی، راویان را بر اساس اوصاف آنها به ۴ دسته، تقسیم بندی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۲/۱).

توجه به سند روایات از دیرباز اهمیت خاصی نزد مسلمانان داشته است و از پیشینیان در این باره عبارتهایی نقل شده است. از جمله اینکه «الاسْتِئْذَانُ مِنَ الدِّينِ وَكَوْلَا الْاِسْتِئْذَانُ لِقَالَ مَنْ شَاءَ مَا شَاءَ» از عبدالله بن مبارک (نیشاپوری، بی‌تا: ۱۲/۱) و «انَّ هَذَا الْعِلْمَ دِينٌ فَانظُرُوا عَمَّنْ تَأْخُذُونَ دِينَكُمْ» از محمد بن سیرین (نیشاپوری، بی‌تا: ۱۱/۱؛ دارمی، بی‌تا: ۴۷۱/۱)؛ که این مطلب جایگاه و تأثیر سند روایات در قبول و یا رد آنها را نشان می‌دهد. رابطه صحت روایات با صحت سند آنها و توجه به اینکه ستون فقرات سند را راویان و یا همان رجال آن تشکیل می‌دهند و نیز در نظر گرفتن گفتار برخی دانشمندان مبنی بر اینکه شناخت رجال (راویان) نیمی از دانش است (منصوری، بی‌تا: ۱۱)، سبب شده است که در طول تاریخ حدیثی، دانشمندان زیادی دست به تألیفات رجالی بزنند. کتب رجالی در انواع و گونه‌های مختلفی و با درج اطلاعات گسترده‌ای که به هر شیوه‌ای بتوانند به شناخت بیشتر و بهتر راویان کمک کند تألیف شده‌اند.

در رابطه با این مسئله پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

۱- تألیفات رجالی به چند نوع و گونه دسته بندی می‌شوند؟

۲- دلایل فراوانی و انگیزه‌های تألیف گونه‌های مختلف کتب رجالی کدامند؟

پاسخ به پرسش‌های فوق از آنجا حائز اهمیت است که باعث شناخته شدن گونه‌های مختلف کتب رجالی شده و در نتیجه کمک می‌کند تا محققین و کسانی که در صدد بررسی راویان سندهای روایات مختلف می‌باشند، بتوانند با توجه به نام‌گذاری اکثر کتب رجالی بر اساس اوصاف و مشخصات راویان، به بررسی سریع‌تر، آسان‌تر و دقیق‌تر اوصاف آنها و در نهایت ارزیابی و اعتبارسنجی روایات گوناگون بپردازند.

ملاحظه پژوهش‌های سابق پیرامون ویژگی‌های کتب رجالی نشان می‌دهد که در آنها فقط یک کتاب رجالی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و به دلایل و انگیزه‌شناسی تألیف کتب رجالی به طور کلی پرداخته نشده است؛ مانند مقاله «بررسی مبانی رجالی علامه شوشتري در قاموس الرجال» از عبدالهادی فقهی‌زاده و مجید بشیری؛ مقاله «ویژگی‌های رجالی کتاب اختیار معرفه الرجال» از سید حسین کنعانی و مقاله «رجال نجاشی مهم‌ترین کتاب رجال شیعه» از سید علی میرشریفی.

در این مقاله تلاش شده است که به دلایل، انگیزه‌ها و زمینه‌های تألیف کتاب‌هایی که به هر شکلی نام راویان و شرح حال و اطلاعات مربوط به آنها در این کتاب‌ها ذکر شده است، اشاره شود. همچنانکه فواید تألیف آنها ذکر شده و از هر گونه از این کتاب‌ها به چند نمونه اشاره خواهد شد. در این مقاله جهت شناخت بهتر این کتاب‌ها، آنها به ۴ دسته کتاب‌های تعریفی، تصحیحی، تبیینی و تکمیلی گروه‌بندی شده‌اند. قابل ذکر است که این تقسیم‌بندی چهارگانه توسط نگارنده صورت گرفته است.

۱- کتب تعریفی

این کتاب‌ها به معرفی راویان و شرح احوال آنها و هرآنچه به شناخت بهتر آنها کمک کند، می‌پردازند. این کتاب‌ها به گونه‌های مختلفی تألیف شده‌اند. برخی از آنها به ثقات، یا ضعفا و یا مدلسین اختصاص دارد و بعضی شامل همه آنها می‌شود. همچنانکه بعضی از آنها مقید به رجال یک کتاب خاص هستند و برخی مقید نیستند. برخی از این کتب مبتنی بر روایات رسیده درباره احوال راویان و نیز نظرات رجالیون در جرح و تعدیل آنهاست. در بخش مربوط به کتب رجالی شیعه، روایات مربوط به نظرات معصومین علیهم‌السلام درباره افراد گوناگون بسیار حائز اهمیت است.

۱-۱- کتب جرح و تعدیل

علم جرح و تعدیل علمی است که درباره جرح و تعدیل راویان با الفاظ مخصوص و مراتب و درجه‌بندی این الفاظ بحث می‌کند (ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۲۷۱: ۲/۱). جرح و تعدیل افراد مختلف از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صحابه و تابعین و علمای بعد از آنها امری

ثابت است و این امر نه به سبب طعن در افراد بلکه به دلیل حفاظت از دین و احکام شریعت است (همان). قابل ذکر است که اولین کسی که در جرح و تعدیل راویان کتاب نوشت یحیی بن معین (م ۲۳۳ق) می‌باشد (ابن‌شاهین، ۱۴۰۹: ۱۱، مقدمه محقق). در این نوع کتب، هم راویان جرح شده و هم راویان عدول، ذکر و نظرات رجالیون در جرح و تعدیل آنها مطرح می‌شود. این کتب دارای عناوین ذیل می‌باشند:

۱-۱-۱- کتب طبقات

طبقه در لغت به معنای امتی که بعد از امتی دیگر می‌آید می‌باشد (ازهری، ۲۰۰۱: ۳۳/۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۰/۱۰) و نیز به معنای گروهی از مردم است که با گروهی دیگر شبیه به خود برابری می‌کنند (فراهیدی، بی‌تا: ۱۰۸/۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۰/۱۰). طبقه در اصطلاح به گروهی که در سن و یا اسناد و یا فقط در اسناد، یعنی کسانی که در شیوخ، برابر و مثل هم باشند گفته می‌شود (سخاوی، ۱۴۲۴: ۳۸۹/۴؛ سیوطی، بی‌تا: ۹۰۹/۲). این تعریف نشان می‌دهد که مفهوم طبقات برای وحدت زمانی ثابتی اطلاق نمی‌شود، بلکه اغلب به معنای برابری در ملاقات است (دمشقی صالحی، ۱۴۱۷: ۵۸/۱، مقدمه محقق). البته مفهوم طبقه ممکن است نزد مؤلفان کتب طبقات و حتی در یک کتاب و کتاب دیگری از یک مؤلف متفاوت باشد (همان).

از لوازم بحث در موضوع طبقات راویان؛ آگاهی از تاریخ ولادت راویان، تاریخ وفات آنها، کسانی که از آنها روایت کرده‌اند و نیز شناخت راویان از آنها می‌باشد (ابن‌صلاح، ۱۴۰۶: ۳۹۹).

در کتب طبقات معمولاً راویان بر حسب شرایط مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند. این تقسیم‌بندی ممکن است بر اساس عنصر زمانی یا مکانی باشد. در عنصر زمانی؛ صحابی بودن، تابعی بودن، سبقت در اسلام، حضور در جنگ بدر و مهاجرت به مدینه و غیره و در عنصر مکانی محل سکونت و ملیت راویان مورد توجه قرار می‌گیرد که در برخی کتب طبقات مانند طبقات ابن‌سعد (م ۲۳۰ق)، عنصر زمانی و مکانی هر دو لحاظ شده است (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۸/۱، مقدمه محقق). شرایط طبقه‌بندی در کتب طبقات مختلف ممکن است تفاوت داشته باشد. برای نمونه در کتاب طبقات خلیفه (م ۲۴۰ق)

بر خلاف کتاب ابن سعد که راویان را بر حسب سبقت در اسلام تقسیم‌بندی کرده است، آنها را بر حسب نزدیکی نسب به پیامبر ﷺ آورده است (ابن‌خیاط، ۱۴۱۴: ۱۳، مقدمه محقق). همچنین ممکن است این کتب در تعداد طبقات مربوطه اختلاف داشته باشند. برای نمونه تعداد طبقات راویان اهل بصره، اهل کوفه و اهل شام در کتاب ابن‌سعد به ترتیب ۸، ۹ و ۸ طبقه؛ و تعداد طبقات آنها در کتاب خلیفه به ترتیب ۱۲، ۱۱ و ۶ طبقه می‌باشند (همان). بازه زمانی یک طبقه از راویان ممکن است بین مدت زمان زندگی یک نسل یا ۲۰ یا ۱۰ سال متغیر باشد (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۸/۱، مقدمه محقق). مثلاً این بازه نزد ابن‌سعد ۲۰ سال می‌باشد (همان). در کتب طبقات علاوه بر ترجمه و شرح احوال راوی، معمولاً تاریخ وفات، کسانی که از آنها روایت کرده و نیز کسانی که از وی روایت نقل کرده‌اند و نیز جرح و تعدیل آنها- البته به جز طبقه صحابه- ذکر می‌شود. در کتب طبقات معمولاً ترجمه و شرح حال طبقات اول شامل طبقه صحابه و بزرگان تابعین و راویان نزدیک به آنها با شرح و تفصیل کامل‌تری آمده است و هر چه از طبقات اولیه فاصله بگیریم ترجمه راویان مختصرتر و کوتاه‌تر می‌شود و این موضوع به دلیل وفور روایات و اخبار مربوط به طبقه صحابه و بزرگان تابعین و طبقات نزدیک به آنهاست (همان: ۹/۱، مقدمه محقق). البته برخی معتقدند که با مرور زمان، فایده ذکر طبقه راوی کم‌رنگ‌تر شده است و ذکر آن در راویان اول دارای اهمیت بیشتری بوده است (دمشقی صالحی، ۱۴۱۷: ۵۹/۱، مقدمه محقق).

از فواید شناخت طبقات راویان؛ مصونیت از به خطا افتادن در یکی دانستن راویان متشابه در اسم یا کنیه و غیره (سخاوی، ۱۴۲۴: ۳۸۹/۴)، آگاهی از تدلیس و فهمیدن حقیقت عنعنه در سند (همان)، شناخت روایات اکابر از اصاغر و شناخت روایات ابناء از اباء (بن‌عبدالقادر، ۱۴۲۲: ۳۰) می‌باشد.

در بعضی کتب طبقات، راویان بر حسب قبیله خود نیز تقسیم‌بندی شده‌اند که از فواید آن شناخت قبائل مختلف و چگونگی گسترش سکونت و دموگرافی^۱ آنها در قلمروی اسلامی است (ابن‌خیاط، ۱۴۱۴: ۱۴، مقدمه محقق). علاوه بر آن می‌توان از بعضی

۱. جمعیت‌شناسی.

از این کتب در مطالعه تاریخ و سیر حوادث و نیز شناخت گرایش‌ها و فرقه‌های سیاسی بهره برد (همان). از دیگر فواید کتب طبقات، تشخیص سقط در سند روایات و یا عدم آن است که هر دو عامل ارتباط مستقیمی با تضعیف یا تقویت سند روایات دارند (بروجردی، ۱۴۱۰: ۲۳). نزد شیعیان شناخت طبقات راویان به شناخت یاران هر امام و تمییز آنها از یک‌دیگر کمک می‌کند (همان)؛ چراکه راویان، در برخی کتب طبقاتی شیعه بر اساس راویان هر امام دسته‌بندی شده‌اند (برقی، ۱۳۴۲).

از عیوب برخی کتب طبقات این است که با توجه به تقسیم‌بندی این کتب بر حسب شرایط زمانی و مکانی، ترجمه و شرح حال یک راوی ممکن است در چند جای کتاب تکرار شود و این مطلب باعث حجیم شدن و تکراری بودن مطالب این کتب بشود؛ به این ترتیب یک راوی ممکن است هم از حاضرین در جنگ بدر باشد و جزو طبقه آنها محسوب شده و ترجمه و شرح حال وی ضمن این طبقه ذکر شود و هم بعداً به یک شهر از اماکن اسلامی مهاجرت کرده و در آن سکونت یافته و در طبقه‌بندی مربوط به راویان آن شهر نیز ترجمه او تکرار شود (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۹/۱، مقدمه محقق). البته برخی مؤلفان این کتب مانند ابن‌سعد که کتاب وی مهم‌ترین تألیف در این زمینه و یا حتی در زمینه کتب رجالی می‌باشد (عجلی، ۱۴۰۵: ۲۷، مقدمه محقق)، به این اشکال پی‌برده و در صدد رفع آن برآمده‌اند؛ به این ترتیب برای چنین افرادی که ممکن است در طبقات مختلفی ذکر شوند در یک جا ترجمه مفصل و طولانی و در جاهای دیگر ترجمه‌ای کوتاه و مختصر ذکر می‌کند (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۹/۱، مقدمه محقق). از دیگر عیوب کتب طبقات، صعوبت دستیابی به مکان ترجمه یک راوی در آنهاست، به خصوص اینکه در تعداد طبقات راویان بین یک مؤلف و مؤلف دیگری، اختلاف و تفاوت وجود دارد (دمشقی صالحی، ۱۴۱۷: ۵۹/۱، مقدمه محقق). کتب طبقات خود بر چند نوع هستند:

الف) کتب طبقات عمومی

این کتاب‌ها در برگزیده ترجمه و شرح حال همه راویان به‌طور عموم می‌باشد که معمولاً از طبقه صحابه و تابعین و تابعین آنها شروع و در ادامه، طبقات بعد از آنها ذکر و تا دوران نزدیک به مؤلف منتهی می‌شود.

در بین اهل سنت کتب: «الطبقات الکبری» از محمد بن سعد زهری (م ۲۳۰ ق)؛ «طبقات» از خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ ق)؛ «الطبقات» از احمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ ق) و در شیعه کتاب‌های «رجال یا طبقات» از احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق)؛ «طبقات یا الابواب» از شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)؛ «الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه» از سید علی خان مدنی شیرازی (م ۱۱۲۰ ق)؛ «طرائف المقال فی معرفه طبقات الرجال» از سید علی بروجردی (م ۱۳۱۳ ق)؛ «معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه» از ابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳ ق) از این نوع می‌باشند.

ب) کتب طبقات بر حسب اماکن

برخی از کتب طبقات بر اساس راویان ساکن در یک شهر و یا مکان اسلامی و نیز راویانی که به آن شهر وارد شده‌اند که اعم از صحابه، تابعین و غیره باشد را شامل می‌شود. این امر به سبب جایگاه و اهمیت تاریخی برخی از این شهرها و اماکن اسلامی است (نک: مغربی افریقی، بی‌تا: ۱؛ ابی‌شیخ اصبهانی، ۱۴۱۲: ۳/۱). معمولاً مؤلفان این کتاب‌ها خود نیز اهل این مناطق و شهرها می‌باشند. نمونه این کتاب‌ها «طبقات علماء افریقیه» از محمد بن احمد افریقی (م ۳۳۳ ق) و «طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها» از ابی‌شیخ اصفهانی (م ۳۶۹ ق) می‌باشند. البته کتب رجالی دیگری نیز بر حسب راویان شهرهای مختلف نگاشته شده‌اند که در بخش مربوط به کتب تاریخ شهرها ذکر می‌گردند.

ج) کتب طبقات بر حسب مذاهب اعتقادی، فقهی یا غیره

این نوع کتب طبقات بر اساس علما و راویان یک مذهب فقهی یا کلامی طبقه‌بندی می‌شوند. در این کتاب‌ها معمولاً پس از ترجمه و شرح حال و یادآوری جایگاه علمی و فضائل رئوس مذاهب چهارگانه اهل سنت و تمجید از آنها (نک: ابن ابی‌یعلی، بی‌تا: ۵/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۷)، به طبقه‌بندی راویان ایشان و ترجمه و معرفی کامل آنها و در برخی مواقع نیز به ذکر مؤلفاتشان پرداخته شده است. معمولاً طبقه اول راویانی هستند که مستقیماً از رئیس مذهب خود روایت کرده‌اند. این کتاب‌ها معمولاً به‌دست کسانی تألیف شده‌اند که خود صاحبان مذاهب مربوطه هستند. بازه زمانی هر

طبقه از راویان در برخی از این کتب ۱۰۰ سال است (نک: سبکی، ۱۴۱۳: ۲۰۷/۱).
 کتب: «طبقات الحنابله» از محمد بن محمد، ابن ابی یعلی (م ۵۲۶ ق)؛ «طبقات الشافعیین» از اسماعیل بن عمر، بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق) و «الجواهر المصیئه فی طبقات الحنفیه» از محیی‌الدین حنفی (م ۷۷۵ ق) از این گونه کتب هستند.
 قابل ذکر است که برخی از کتاب‌های رجالی اگرچه با عنوان طبقات نام‌گذاری نشده‌اند، ولی بر اساس طبقات زمانی مرتب شده‌اند؛ مانند «سیر اعلام النبلاء» و «تاریخ الاسلام»، هر دو از ذهبی.

۱-۱-۲- کتب با عنوان رجال

این کتب نیز مانند سایر کتب رجالی به ترجمه و شرح احوال و گزیده‌ای از حوادث تاریخی مربوط به راویان و همچنین در برخی مواقع ذکر تاریخ ولادت و وفات آنها و شیوخی که از آنها روایت کرده‌اند و برخی از روایاتشان و نیز راویان ایشان پرداخته است.

این کتاب‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) کتب رجال عمومی

این کتاب‌ها اختصاص به ترجمه بیشتر راویان و محدثین ذکر شده در سند روایات دارد و به گروه یا شهر و یا رجال کتب خاصی اختصاص ندارد.
 در بین اهل سنت کتاب‌های: «احوال الرجال» از ابراهیم بن یعقوب جوزجانی (م ۲۵۹ ق)؛ «قبول الاخبار و معرفه الرجال» از عبدالله بن احمد بلخی (م ۳۱۹ ق)؛ «میزان الاعتدال» از ذهبی؛ «لسان المیزان» از ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) و در شیعه «معرفه الرجال یا رجال کشی» از محمد بن عمر بن عبد‌العزیز کشی (م ۳۴۰ ق)؛ «اختیار معرفه الرجال» و «رجال الطوسی» از محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ق)؛ «حل الاشکال فی معرفه الرجال» از ابن طاووس (م ۶۷۳ ق)؛ «رجال ابن داوود» از حسن بن علی بن داوود حلی (م ۷۰۷ ق)؛ «خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال» علامه حلی (م ۷۲۶ ق)؛ «تنقیح المقال» از مامقانی (م ۱۳۵۱ ق)، نمونه بارز این دسته می‌باشند.

ب) رجال کتب خاص

اهمیت و جایگاه بعضی از کتب حدیثی به خصوص کتب ششگانه حدیثی و کتب سنن نزد اهل سنت و نیز کتب اربعه در شیعه باعث شده است که برخی مؤلفین کتب رجالی، تنها به ترجمه و شرح حال و جرح و تعدیل روایانی که در اسناد روایات یک یا چند کتاب از این کتاب‌ها آمده‌اند اکتفا کنند و به بقیه روایان نپردازند. البته ملاحظه شده است که در بیشتر کتب رجال که اختصاص به بررسی روایان دو کتاب مهم اهل سنت، یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم می‌باشند، هیچ‌گونه جرح و تعدیلی صورت نگرفته است و فقط به اسم روایان و یا ترجمه مختصری از آنها پرداخته شده است (نک: کلاباذی، ۱۴۰۷؛ ابن منجویه، ۱۴۰۷).

نمونه‌ای از کتب اهل سنت در این زمینه «الهدایه و الارشاد فی معرفه اهل الثقه و السداد» از احمد بن محمد کلاباذی (م ۳۹۸ ق)؛ «رجال صحیح مسلم» از احمد بن علی، بن منجویه (م ۴۲۸ ق)؛ «تهذیب الکمال فی اسماء الرجال» از یوسف بن زکی مزی (م ۷۴۲ ق) و «تعجیل المنفعه بزوائد رجال الأئمه الأربعة» از ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) می‌باشند.

در شیعه نیز کتاب‌های «رجال اسانید الکافی»، «رجال اسانید التهذیب» از سید حسین بروجردی (م ۱۳۸۰ ق)؛ «اسانید کامل الزیارات و اعلام اسانیده» از سید موسی شبیری زنجانی از این دسته می‌باشند. البته به دلیل اهمیت کتب اربعه روایی، معمولاً در کتب رجالی به روایان روایات آنها توجه خاصی می‌شود. برای نمونه در کتاب‌های «جامع الرواه» اردبیلی و «معجم رجال الحدیث» خوبی، روایان موجود در اسناد روایات کتب اربعه با علامت مشخص و روایات آنها و نیز مکان آنها در این کتب ذکر شده است.

ج) رجال خاندان یا گروه خاص

بعضی از کتب رجالی تنها به ترجمه و شرح حال روایان منسوب به یک یا چند خاندان معروف و مهم که اکثر افراد آن، فقیه، دانشمند، قاری و راوی هستند اختصاص دارند. همچنانکه این کتب ممکن است مختص به گروه خاصی از روایان باشد. این نوع کتب فقط نزد شیعه مشاهده شده است.

کتاب‌های «رساله ابی غالب زراری در ذکر آل اعین» از ابو غالب زراری (م ۳۶۸ ق)؛ «الفوائد الرجالیه» از محمد مهدی بحر العلوم طباطبائی (م ۱۲۱۲ ق) «راویان خاندان‌های آل ابی رافع، آل ابی شعبه و...»؛ «اصحاب امیرالمومنین علیه السلام و الرواه عنه» از محمد هادی امینی و «الفائق فی رواه و اصحاب الامام الصادق علیه السلام» از عبدالحسین شبستری (معاصر) در این زمینه تألیف شده‌اند.

د) کتب نظرات یک رجالی

این کتب اختصاص به نظرات یک رجالی بزرگ دربارهٔ راویان دارد که اکثراً به صورت پرسش و پاسخ است. اهمیت نظرات و اقوال رجالیون مشهور و جایگاه والای آنها در بین رجالیون و علم رجال باعث شده است که نظرات آنها در مورد راویان جمع‌آوری و به صورت کتاب تألیف شود. البته بیشتر این کتب توسط افراد معاصر و از طریق جمع‌آوری نظرات رجالیون از مؤلفات آنها و دیگر مؤلفات بوده و به صورت یک نوآوری و کار امروزی محسوب می‌شود. معروف‌ترین این کتب در ذیل آمده است:

«موسوعه اقوال ابی الحسن الدارقطنی فی رجال الحدیث و علله» از گروهی از مؤلفین از جمله د. محمد مهدی مسلمی و همکاران (معاصر)؛ «موسوعه اقوال الامام احمد بن حنبل فی رجال الحدیث و علله» از سید ابوالمعالی و همکاران (معاصر) و «من کلام ابی زکریا یحیی بن معین فی الرجال» از احمد محمد نور سیف (معاصر).

ه) کتب مربوط به یک راوی

کثرت روایات رسیده از جانب برخی راویان و جایگاه آنها در حدیث، باعث شده که این افراد مورد توجه قرار گیرند و مؤلفان متعددی در مورد شخصیت اجتماعی، تاریخی، روایی و نیز تحلیل و بررسی نوع روایات رسیده از آنها دست به تألیف کتاب بزنند. از دیگر دلایل تألیف کتب مختص به ترجمه و شرح حال یک راوی، اختلاف نظر علمای رجالی در جرح و تعدیل وی و نقل روایات نادر در موضوعات و احکام شرعی خاص از جانب وی می‌باشد؛ بدین ترتیب که تضعیف و یا توثیق راوی که در نهایت به رد یا قبول روایات وی می‌انجامد تأثیر مستقیمی در عمل و یا عدم عمل به احکام شرعی استنباط شده از این روایات دارد (ساعدی، ۱۴۲۵: ۸). این کتاب‌ها نزد

متأخرین مشاهده شده است. از این نوع می‌توان کتب زیر را نام برد:

در اهل سنت، «شیخ المضیره ابوهریره» از محمود ابوریه (م ۱۳۸۵ ق) و در شیعه کتاب‌های «ترجمه سهل ابن زیاد یا رجال الشیخ محمدرضا» از محمدرضا دزفولی (م ۱۳۵۲ ق)؛ «ابوهریره» از سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی (م ۱۳۷۷ ق) و «المعلی بن خنیس» از حسین ساعدی (معاصر).

و) رجال مکان یا شهر خاص

برخی کتب رجالی نیز به ترجمهٔ راویان و علمای یک شهر یا مکان اسلامی و ذکر مؤلفات آنها اختصاص دارد. کتاب «امل الامل» از محمد بن حسن، حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) (در ترجمهٔ علمای جبل عامل) نمونه‌ای از این کتب است. همان‌گونه که در بخش کتب طبقات بر حسب اماکن ذکر گردید، کتب رجالی دیگری نیز بر حسب راویان شهرهای گوناگون تألیف شده‌اند که در بخش مربوط به کتب تاریخ شهرها ذکر می‌گردند.

۱-۱-۳- کتب با عنوان جرح و تعدیل

به نظر می‌رسد که تفاوت خاصی بین کتب با عناوین رجال و کتب با عناوین جرح و تعدیل وجود نداشته باشد. البته طبق بررسی بعضی از کتب جرح و تعدیل، شاید بتوان گفت که در کتب جرح و تعدیل به درجه و نوع لفظ جرح و یا تعدیل که راوی با آن وصف می‌شود توجه خاصی می‌شود و این مطلب به علمی خاص و آشنایی کامل به این الفاظ نیاز دارد (نک: باجی، ۱۴۰۶: ۱۵/۱). همچنین در کتب رجال، شرح و تفصیل بیشتری دربارهٔ ترجمه و شرح حال راویان آورده شده است، اما در کتب جرح و تعدیل به اقوال رجالیون و الفاظ جرح و تعدیل به کار رفته از جانب آنها دربارهٔ راویان، اهمیت بیشتری داده شده و ترجمهٔ آنها مختصرتر آمده است (نک: خلف، ۱۴۰۹ ق). کتب جرح و تعدیل نیز مانند کتب با عنوان رجال به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) عمومی

در این کتاب‌ها جرح و تعدیل مختص راویان خاصی نمی‌باشد و معمولاً عمومی

می‌باشد. نمونه این کتب، «التکمیل فی الجرح و التعديل و معرفة الثقات و الضعفاء و المجاهیل» از ابن کثیر می‌باشد.

ب) نظر یک رجالی در جرح و تعدیل راویان همان‌طور که از عنوان مشخص است، این کتب حاوی نظرات و آرای یک رجالی معروف در جرح و تعدیل راویان مختلف است. نمونه این کتاب‌ها، «الجرح و التعديل» از ابی حاتم رازی (م ۳۲۷ ق) می‌باشد. در شیعه نیز اشخاصی مانند نجاشی، شیخ طوسی، ابن داوود، علامه حلی و دیگران در کتب خود به طرح آراء و نظرات خود پیرامون راویان مختلف پرداخته‌اند که از کتب آنها در بخش کتب با عنوان رجال یاد شده است.

ج) جرح و تعدیل راویان کتب خاص این کتب اختصاص به جرح و تعدیل راویان کتب حدیثی خاصی دارد. از جمله این کتب:

«التعديل و التجريح لمن خرج له البخاری فی الجامع الصحیح» از سلیمان بن خلف باجی (م ۴۷۴ ق) و «معجم الجرح و التعديل لرجال السنن الكبرى» از نجم عبدالرحمان خلف (معاصر) می‌باشند^۱.

۱-۱-۴- کتب تاریخ:

موضوع این کتب، حوادث و وقایع تاریخی و به خصوص تاریخ اسلام می‌باشد. اگرچه برخی از کتب با عنوان تاریخ نام‌گذاری شده‌اند اما موضوع اصلی آنها ترجمه و شرح حال افراد به خصوص راویان می‌باشد. در بعضی دیگر از این کتب، تاریخ یک منطقه یا شهر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. این کتب به دلیل اینکه اطلاعات ذی‌قیمتی مانند ترجمه و شرح حال افراد مختلف به خصوص راویان ارائه می‌کنند، مورد توجه رجال شناسان قرار گرفته‌اند. در اکثر کتب با عنوان تاریخ، نام شیوخ و شاگردان و

۱. در شیعه نیز اگرچه کتاب‌های زیادی تألیف شده‌اند که موضوع آنها جرح و تعدیل راویان است، ولی کتابی با این نام و عنوان در کتب شیعه یافت نشد.

راویان و مرویات و جرح و تعدیل راویان نیز آمده است؛ به این دلیل این کتب می‌توانند منابع خوبی برای مطالعات حوزه رجالی و روایی قرار بگیرند. کتب تاریخ خود بر دو نوعند:

الف) کتب تاریخ عمومی

موضوع این کتب علاوه بر حوادث تاریخی، ترجمه و تاریخ افراد مختلف از جمله خلفا، سلاطین، زهاد، قراء و به خصوص راویان به‌طور عمومی است و مختص به یک مکان و زمان نمی‌باشند. بعضی از این کتاب‌ها بر اساس حروف الفبایی و بعضی دیگر بر اساس سال وفات راوی و به ترتیب سال‌های هجری تنظیم شده‌اند. چند نمونه از این کتب در ذیل آمده است:

«تاریخ ابن معین» از یحیی بن معین (م ۲۳۳هـ)؛ «التاریخ الکبیر» و «التاریخ الأوسط» و «التاریخ الصغیر» از محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)؛ «تاریخ ابن ابی خثیمه» از ابوبکر احمد بن ابی خثیمه (م ۲۷۹ق) و «تاریخ الاسلام» از ذهبی.

ب) کتب تاریخ شهرها

اهمیت بعضی از شهرهای اسلامی و فضیلت آنها باعث شده است که علمایی که اکثراً اهل خود آن شهرها هستند کتابی در تاریخ شهرشان تألیف کنند. به‌نظر می‌رسد که انگیزه اصلی تألیف این کتب، اظهار تعصب نسبت به یادکردن از مفاخر و علمای شهرهای مختلف است (نک: جرجانی، ۱۴۰۷ق، مقدمه). معمولاً این کتاب‌ها حاوی اطلاعات ذیل است: ۱- تاریخ بنا و مکان جغرافیایی شهرها؛ ۲- مکان‌ها و بناهای تاریخی شهرها مانند مساجد، کلیساها و...؛ ۳- روایات رسیده در فضیلت شهرها؛ ۴- نام بردن از علما و مفاخر شهرها از جمله فقها، علما و... و راویان شهرها و قبائل موجود در آنها و بالأخره ۵- ترجمه و شرح حال کسانی که به این شهرها وارد شده‌اند و یا در آنها گشته‌اند یا در آن سکونت یافته‌اند از جمله خلفا و صحابه و تابعین و تابعین آنها و محدثان و راویان که در این شهرها تحدیث کرده‌اند و در برخی مواقع ذکر نمونه‌ای از روایات آنها و در نهایت جرح و تعدیل آنهاست (نک: ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق). این کتاب‌ها نیز به دو روش الفبایی یا طبقات زمانی ترتیب‌بندی

شده‌اند. یکی از این کتب «تاریخ دمشق» از علی بن حسن، ابن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ ق) است که علاوه بر اینکه بزرگ‌ترین کتاب تألیف شده در تاریخ شهرها می‌باشد، از وسیع‌ترین منابع تراجم رجال نیز به‌شمار می‌آید (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۹/۱، مقدمه محقق). نام مشهورترین کتب دیگر در این زمینه در ذیل ذکر شده است:

«تاریخ نیشاپور» از ابو عبدالله، حاکم نیشاپوری (م ۴۰۵ ق)؛ «تاریخ جرجان» از حمزه بن یوسف جرجانی (م ۴۲۷ ق)؛ «تاریخ اصبهان یا اخبار اصبهان» از ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق)؛ «تاریخ بغداد» از ابوبکر، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق).

۱-۱-۵- کتب مشاهیر، علما، اولیاء، اعیان، و اعلام:

این کتب به ذکر مشاهیر، علما، اعیان، اعلام و زهاد شهرها و مناطق مختلف اسلامی اختصاص دارد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنها کسانی هستند که در سند روایات قرار دارند و شناسایی و پی‌بردن به احوال آنها کمک شایانی به شناخت سنت صحیح از سقیم می‌کند. در این کتاب‌ها نیز ترجمه کامل راویان، شیوخ و شاگردان، معرفی مؤلفات آنها و نمونه‌ای از روایات آنها ذکر می‌شود. ملاحظه شده است که در بیشتر این کتاب‌ها، افراد معمولاً فقط توثیق و تعدیل می‌شوند و مؤلفان این کتب از ذکر راویان ضعیف، متروکین و مجروحین دوری کرده و فقط به ذکر علمای ثقه اکتفا می‌کنند (نک: ابن حبان، ۱۴۱۱: ۱۹؛ ابن الجوزی، ۱۴۲۱ ق). اما با توجه به اینکه در برخی دیگر از این کتاب‌ها جرح و تعدیل راویان به‌طور کامل و مفصل آمده است، این نوع از کتب رجالی در قسمت کتب جرح و تعدیل آورده شده است.

نمونه این کتب نزد اهل سنت: «مشاهیر علماء الامصار» از محمد بن حبان، ابوحاتم بستی (م ۳۵۴ ق)؛ «حلیة الاولیاء» از ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق)؛ «سیر اعلام النبلاء» از ذهبی و در شیعه، «اعیان الشیعه» از محسن الامین عاملی (م ۱۳۷۱ ق) و «تذکره الاعیان» از جعفر سبحانی می‌باشند.

۱-۱-۶- کتب شیوخ و مشیخه:

از دیگر کتبی که سرشار از اطلاعات رجالی است کتب شیوخ است. جایگاه علمی برخی از محدثان بزرگ اهل سنت و برجسته بودن شخصیت آنها در بین علما و نیز

گسترده‌گی و فراوانی مؤلفاتشان و تأثیر این مؤلفات در میراث حدیثی اهل سنت باعث شده است که کتاب‌هایی در رابطه با ترجمه و شرح حال شیوخ این محدثان که از آنها سماع داشته‌اند و در کتاب‌هایشان از آنها روایت نقل کرده‌اند، نگاشته شوند (اثری، ۱۴۲۶: ۱). از دیگر دلایل تألیف کتب شیوخ، عدم توجه به ترجمه و شرح احوال شیوخ محدثان بزرگ و صاحب کتاب، بر خلاف شیوخ مولفان کتب سته می‌باشد (منصوری، بی‌تا: ۱۱). از فواید کتب شیوخ، شناخت طبقه شیوخ محدثان بزرگ و احوال رجال آن طبقه است (همو، ۱۴۲۸: ۴). در بعضی از این کتب، برای راویان، جرح و تعدیل و در برخی دیگر جرح و تعدیلی ذکر نمی‌شود. البته ملاحظه شده است که در کتبی که خود محدث در معرفی شیوخ خود می‌نویسد آنها را توثیق می‌کند (نک: نسائی، ۱۴۲۳ق). قابل ذکر است به جزء کتب متقدمین و متأخرین که در زمینه شیوخ تألیف شده است، معاصران نیز به تألیف این نوع کتب اهتمام خاصی نشان داده‌اند و در این زمینه کتاب‌های فراوانی به رشته تحریر درآمده است.

اما مهمترین کتب شیوخ و مشیخه نزد اهل سنت: «مشیخه النسائی» از نسائی؛ «المعلم بشیوخ البخاری و مسلم» از محمد بن اسماعیل بن خلفون (م ۶۳۶ق)؛ «معجم الشیوخ الکبیر للذهبی» از ذهبی؛ «الدلیل المغنی لشیوخ الامام ابی الحسن الدارقطنی» و «ارشاد القاصی و الدانی الی تراجم شیوخ الطبرانی» و «الروض الباسم فی تراجم شیوخ الحاکم» از ابوالطیب نایف بن صلاح منصور (معاصر) می‌باشند.

در شیعه نیز کتاب «مشیخه نجاشی» از محمود دریاب نجفی از این نوع به‌شمار می‌آید. البته در شیعه، مشیخه به‌معنای دیگری نیز آمده است و آن این است که برخی از صاحبان کتب حدیثی روایات خود را بدون سند آورده و طرق خود به راویان را در آخر کتاب‌هایشان ذکر کرده‌اند، که به مشیخه معروف شده است. در این مشیخه‌ها که به‌صورت کتب مستقلی نیستند و در آخر کتب روایی آمده‌اند، هیچ‌گونه شرح حال و جرح و تعدیلی صورت نگرفته و به ذکر اسامی راویان بسند شده است. «مشیخه صدوق» از بن بابویه قمی، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) و «مشیخه مربوط به کتابهای تهذیب الاحکام و الاستبصار طوسی» از طوسی، از این نمونه هستند.

۱-۱-۷- کتب فهارس:

کتب فهارس کتبی هستند که به معرفی تألیفات افراد مختلف می‌پردازند. اما از آنجایی که این کتاب‌ها در کنار معرفی مؤلفان کتب که برخی از آنها راوی هستند، به ترجمه و شرح حال و نیز معرفی شیوخ و راویان آنها و نمونه‌ای از روایاتشان و در نهایت جرح و تعدیل آنها می‌پردازند، می‌توانند به‌عنوان کتب رجال مورد استفاده قرار بگیرند. «الفهرست» از محمد بن اسحاق، ابن الندیم (م ۴۳۸ ق) نمونه بارز این نوع کتاب‌ها است.

اما استفاده از کتب فهارس به‌عنوان کتب رجال بیشتر در بین شیعه اتفاق افتاده است، بدین ترتیب که ۴ کتاب از مهمترین کتب رجالی شیعه از کتب فهارس می‌باشند. «فهرست اسماء مصنفی الشیعه یا رجال نجاشی» از احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰ ق)؛ «الفهرست» از طوسی؛ «الفهرست» از شیخ منتجب الدین، علی بن بابویه (م قرن ۶) و «فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین یا معالم العلماء» از محمد علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) نمونه‌ای از کتب فهارس شیعه هستند.

۱-۱-۸- وفیات:

این کتاب‌ها همانگونه که از عنوانشان مشخص است به ذکر تاریخ وفات افراد از جمله محدثین، فقها، علما و غیره می‌پردازند؛ اما چون در کنار ذکر تاریخ وفات افراد مختلف از جمله راویان، به ترجمه و شرح حال و ذکر شیوخ و شاگردان و مرویات و جرح و تعدیل آنها می‌پردازند، می‌توانند به‌عنوان کتب رجالی مورد استفاده قرار گیرند. بیشتر این کتب بر اساس تاریخ وفات افراد و بر مبنای سال‌های هجری طبقه‌بندی شده‌اند.

نمونه این کتب: «تاریخ مولد العلماء و وفیاتهم» از محمد بن عبدالله ربیع (م ۳۷۹ ق)؛ «وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان» از ابن خلکان (م ۶۸۱ ق)؛ «العبری فی خبر من غیر» از ذهبی می‌باشند.

۱-۲- کتب جرح

لزوم تبیین اسامی ضعفا و مجروحین برای شناخت روایات صحیح از سقیم و ارتباط

مستقیم جرح و تعدیل راویان با رد یا قبول روایات آنها و نیز آگاهی از اینکه آنها از قسم مجروحین یا تعدیل شدگان هستند بسیار حائز اهمیت است. در کتب جرح، راویان تضعیف می‌شوند. در این کتب نیز مانند سایر کتب رجالی؛ ترجمه راویان، شرح حال آنها، شیوخ و راویان آنها و نیز نمونه‌ای از مرویات آنها آورده می‌شود. کتب جرح معمولاً به ۳ دسته کتب ضعفا، مدلسین و مختلطین تقسیم‌بندی می‌شوند. البته عنوان ضعفا خود مشتمل بر ۲ قسم دیگر یعنی مدلسین و مختلطین می‌شود؛ اما از آنجایی که مؤلفان در رابطه با این عناوین، کتب مستقل و جداگانه‌ای تألیف کرده‌اند، در اینجا نیز به‌طور جداگانه بررسی می‌شوند:

۱-۲-۱- کتب با عنوان ضعفا

هدف از تألیف این کتب تبیین و شناساندن راویان ضعیف و نیز ذکر سبب ضعف و نقل اقوال رجالیون در تضعیف راوی و با الفاظ جرح است. همچنانکه در برخی کتب نمونه‌ای از روایات ضعیف و منکر این راویان ذکر می‌شود (نک: عقیلی، ۱۴۰۴ق؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۶ق؛ ابن‌عدی جرجانی، ۱۴۰۹ق). همچنین که راویان وضاع، مجهول، متروک و دروغ‌گو و راویان ثقه‌ای که در آنها لین وجود دارد، نیز آورده شده‌اند (ذهبی، بی‌تا؛ همو، ۱۳۸۷ق). اولین کسی که در معرفی ضعفا کتاب نوشت یحیی بن معین (م ۲۳۳ق) است (ابن‌شاهین، ۱۴۰۹: ۱۱، مقدمه محقق). نمونه‌ای از کتاب‌های اهل سنت با عنوان ضعفا در ذیل آمده است:

«الضعفاء الصغیر» از بخاری؛ «الضعفاء و المتروکین» از نسائی؛ «الضعفاء الکبیر» از محمد بن عمرو عقیلی (م ۳۲۲ق)؛ «المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین» از ابن‌حبان؛ «الکامل فی ضعفاء الرجال» از بن‌عدی جرجانی؛ «المغنی فی الضعفاء» و «دیوان الضعفاء» از ذهبی.

در شیعه نیز «ضعفاء یا رجال ابن‌الغضائری» از احمد بن حسین غضائری (م قرن ۵ ق) یا از پدر ایشان و «الوضاعون و احادیثهم» از عبدالحسین امینی (م ۱۳۹۲ ق) از این دسته هستند.

۱-۲-۲- مدلسین

تدلیس نوعی دست‌کاری در اسانید روایاتی است که یک فرد روایت می‌کند. یک راوی ممکن است در جهت رفع ضعف سند و یا ضعف شیوخ خود، دست به حذف قسمتی از سند بزند، و یا شیخ خود را که با اسم مشهور است را با کنیه یاد کند و برعکس و بالأخره دست به عملی بزند تا در نهایت بتواند به گونه‌ای سند روایات خود را تقویت کند (ابن‌العجمی، ۱۴۰۶: ۱۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: مقدمه). البته و با توجه به انواع تدلیس، در قبول و یا رد روایات برخی مدلسین اختلاف شده است، همان‌طور که در قبول روایات برخی دیگر تسهیل به عمل آمده است (ابن‌العجمی، ۱۴۰۶: ۱۲). قابل ذکر است که تدلیس به خودی خود یک نوع جرح به حساب می‌آید (همان) و اگر کسی به‌طور عمدی به آن دست بزند قدح (همان) و حتی خیانت (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: ۱۷) به‌شمار می‌آید. به همین سبب رجالیون در معرفی آنها کتب مستقل و جداگانه‌ای تألیف کرده‌اند. اولین کسی که در مورد مدلسین کتابی تألیف نمود حسین بن علی کرایسی (م ۲۴۸ق) است (عجلی، ۱۴۰۵: ۲۸، مقدمه محقق).

مشهورترین کتاب‌ها در این زمینه «ذکر المدلسین» از نسائی؛ «التبیین لاسماء المدلسین» از ابراهیم بن محمد، ابن‌العجمی (م ۸۴۱ق)؛ «تعریف اهل التقدیس» از ابن‌حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) و «اسماء المدلسین» از سیوطی می‌باشند.

۱-۲-۳- مختلطین

اختلاط نوعی عدم ضبط و عدم دقت در نقل روایات است که معمولاً برای راویان در سنین بالای عمر اتفاق می‌افتد. مختلطین را به ۳ گروه تقسیم کرده‌اند: ۱- گروهی که اختلاط برای آنها ضعف به‌شمار نمی‌آید، به دلیل کوتاهی مدت زمان اختلاط؛ و یا کسانی که در زمان اختلاط روایتی نقل نکرده‌اند؛ ۲- کسانی که قبل از اختلاط هم نظر بر تضعیف آنهاست و اختلاط فزونی بر ضعف آنهاست؛ ۳- کسانی که تا قبل از اختلاط به روایات آنها احتجاج می‌شد و اضطراب در روایاتشان بعد از اختلاط اتفاق افتاده است، که این مشکل با تمییز بین روایات قبل و بعد از اختلاط آنها رفع می‌گردد (علائی، ۱۴۱۷: ۳). در برخی از این کتب، مؤلف علاوه بر ترجمه راویان و نقل اقوال

رجالیون در مورد آنها، در برخی مواقع از اینکه راوی در کدام یک از گروه‌های ۳ گانه فوق قرار می‌گیرد را مشخص می‌کند (نک: علائی، ۱۴۱۷ق).
 «المختلطين» از خلیل بن کیکلدی علائی (م ۷۶۱ق) و «الاغبتاب بمن رمی من الرواه بالاختلاط» از ابن العجمی، نمونه‌ای از این کتب هستند.

۱-۳-۳- کتب تعدیل

کتبی هستند که در آنها فقط ترجمه و شرح حال راویانی آمده است که رجالیون آنها را تعدیل و در نقل روایات ثقة دانسته‌اند. این کتاب‌ها خود بر دو نوعند:

۱-۳-۱- کتب صحابه

این کتب به ترجمه و شرح حال و معرفی کامل طبقه صحابه اختصاص دارد. اصحاب حدیث اسم صحابی را بر کسی اطلاق می‌کنند که حداقل یک حدیث و یا حتی یک کلمه از پیامبر ﷺ روایت کرده باشد، و شمولیت این تعریف تا جایی که کسی که پیامبر ﷺ را حداقل یک بار دیده است را در برگیرد، گسترش می‌یابد (ابن صلاح، ۱۴۰۶: ۲۹۳؛ سخاوی، ۱۴۲۴: ۸۵/۴). البته در سخن ابن حجر تعریف صحابه این‌گونه آمده است که صحابی کسی است که با حالت ایمان با پیامبر ﷺ ملاقات داشته و بر اسلام از دنیا رفته است، چه این ملاقات کوتاه باشد یا طولانی، چه اینکه از وی روایت کرده یا خیر، و چه کسی که فقط وی را دیده و با وی مجالست نکرده و یا حتی او را ندیده و فقط با وی ملاقات داشته است، مانند فرد نایینا (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۵۸/۱). در این کتاب‌ها علاوه بر ذکر مناقب و فضائل صحابه، اطلاعاتی همچون تاریخ ولادت و وفات، نام راویان آنها و نیز نمونه‌ای از روایات منقول از آنها ذکر شده است (نک: ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۹ق؛ ابن‌منده، ۱۴۲۶ق). قابل ذکر است که در کتب با عنوان صحابه، هدف معرفی صحابه و شناخت جایگاه آنان به‌عنوان ناقل اول سنت و حدیث پیامبر ﷺ می‌باشد و هیچ‌گونه جرح و تعدیلی نسبت به آنها صورت نمی‌گیرد، چراکه به اعتقاد اهل سنت آنها قابل جرح نیستند و عدالت همه آنها ثابت است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱۰/۱). به اعتقاد اهل سنت شناخت صحابه به‌عنوان اولین راویان سنت پیامبر ﷺ تنها به منظور تمییز و تشخیص مجهول از غیر

مجهول است، چراکه روایت از فرد مجهول صحیح نیست و عمل به روایت وی شایسته نمی‌باشد و از نظر آنها صحابه در سایر شرایط و اوصاف لازمه یک راوی به جزء جرح و تعدیل با سایر راویان مشترک هستند (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱۰/۱).

مهمترین تألیفات مربوط به صحابه، کتاب‌های «معرفة الصحابه» از ابن منده (م ۳۹۵ ق)؛ «معرفة الصحابه» از ابونعیم اصفهانی؛ «الاستیعاب فی معرفة الاصحاب» از قرطبی، ابن عبدالبر (م ۴۶۳ ق)؛ «اسد الغابه فی معرفة الصحابه» از ابن الاثیر (م ۶۳۰ ق) و «الاصابه فی تمییز الصحابه» از ابن حجر عسقلانی می‌باشند.

۱-۳-۲- کتب ثقات

حفظ سنت پیامبر ﷺ با شناخت تاریخ محدثین و تمییز ضعفا و ثقات از بین آنها و لزوم اخذ روایات از ثقات، باعث شده است که کتب جداگانه‌ای در معرفی این راویان تألیف بشود. در این کتب شرح حال راویان ثقه‌ای آمده است که می‌توان به روایات آنها اعتماد و احتجاج نمود. همچنانکه که در آنها اقوال رجالیون در تعدیل و توثیق راویان، با الفاظ مخصوص تعدیل نقل می‌شوند. اولین کسی که در معرفی ثقات کتاب نوشت احمد بن عبدالله عجلی (م ۲۶۱ ق) است (ابن شاهین، ۱۴۰۹: ۱۱، مقدمه محقق).

نزد اهل سنت کتاب‌های «تاریخ الثقات» از احمد بن عبدالله عجلی (م ۲۶۱ ق)؛ «الثقات» از ابن حبان؛ «تاریخ اسماء الثقات» از ابن شاهین؛ «من تکلم فیه و هو موثق او صالح الحدیث» از ذهبی و در شیعه کتاب «مشایخ الثقات» از غلام رضا عرفانیان (معاصر) و «معجم الثقات» از ابوطالب تجلیل تبریزی (معاصر)، از این دسته کتب می‌باشند.

۲- کتب تصحیحی

کتب تصحیحی کتاب‌هایی هستند که به منظور تصحیح اشتباهات محدثان و نیز جلوگیری از وقوع خطا در بین آنها، در تشخیص و تمییز راویان تألیف شده‌اند؛ چرا که راویان ممکن است دارای اسامی و یا کنیه‌ها و یا القاب و یا انساب مشابهی باشند ولی در هویت، یک یا چند نفر باشند و برخی از آنها موثق و برخی دیگر ضعیف یا مجهول

و یا غیره باشد. مطلب دیگر آن است که ممکن است اسامی راویان یا پدرانشان یا انسایشان یا غیره دارای یک ساختار نوشتاری از نظر حروف الفبایی باشند، ولی در تلفظ یکسان نباشند و به این دلیل در هویت آنها اختلاف شود. عدم آگاهی از این موارد باعث به خطا افتادن محدثان و نیز ناقلان روایات و عدم تشخیص ثقه از غیر ثقه که در نهایت تاثیر مستقیمی در قبول و یا رد روایات آنان خواهد داشت، می‌شود و هدف از تألیف این کتاب‌ها رفع و حل این اشکال است. در بیشتر این کتاب‌ها معمولاً به دلیل اینکه هدف اصلی فقط تصحیح مشخصات راویان مانند نام، کنیه، نام پدر و غیره و نیز شناسایی هویت آنها می‌باشد، ترجمه و شرح احوال و نیز تسمیه شیوخ و راویان آنها خیلی کوتاه و مختصر آمده است و به این دلیل نیز جرح و تعدیل راویان یا به ندرت یا به طور کلی صورت نمی‌گیرد (نک: ابن‌حنبل، ۱۴۰۶ق؛ مقدمی، ۱۴۱۵ق؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۹ق). البته در برخی از آنها به ذکر نمونه‌ای از روایات راویان پرداخته شده است (نک: دولابی، ۱۴۲۱ق؛ ابن‌حبویه، ۱۴۰۹ق)، که این کار به کسانی که به دنبال نوع و احوال مرویات این افراد هستند، کمک شایانی کرده است (نیشابوری، ۱۴۰۴: ۱۱/۱، مقدمه محقق). این نوع کتاب‌ها خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۲-۱- کتب کنی، اسماء و القاب

هدف از تألیف این کتب شناخت راویانی است که با کنیه یا لقب در اسانید روایات آمده‌اند؛ یا راویانی که نام آنها با کنیه پدرانشان و یا نام آنها با نام پدرانشان یکی باشد. کنیه ممکن است به دلیل تعظیم یا توقیر یک فرد و یا به دلایل دیگری به جای نام ذکر شود (نیشابوری، ۱۴۰۴: ۹/۱، مقدمه محقق). برخی از راویان، اسمی به غیر کنیه خود ندارند و اسم آنها همان کنیه‌شان می‌باشد و برخی دیگر با کنیه شناخته شده و مشهور هستند و از نام آنها اطلاعاتی در دسترس نیست؛ همچنانکه که برخی از آنها ممکن است دارای چند کنیه باشند (نیشابوری، ۱۴۰۴: ۱۰/۱، مقدمه محقق؛ ذهبی، ۱۴۰۸: ۴۷/۱). همچنین برخی از راویانی که با کنیه خود مشهور شده‌اند، در اسانید روایات در یک جا با تصریح به اسامی آنها و در جایی دیگر بدون تصریح به اسامی و اکتفا به کنیه آنها ذکر شده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۸: ۱۹/۱، مقدمه محقق).

توجه محدثان به کنیه‌های افراد و تألیفات مستقل در این زمینه و اهمیت دادن به این بحث، به خطاهای بزرگی که بر مبنای عدم آگاهی از این موارد بنا شده است بر می‌گردد؛ چراکه همانگونه که ذکر شد یک راوی ممکن است یک‌بار با اسم و بار دیگر با کنیه ذکر شود و در این صورت کسی که به اسامی و کنیه‌های راویان آشنایی کافی ندارد آنها را دو شخص به حساب آورد؛ یا نام و کنیه راوی با هم در سند آورده شود و این توهم را ایجاد کند که نام دو نفر می‌باشد که شاید کلماتی همچون «حدثنا» یا «عن» از میان آنها افتاده است (مقدمی، ۱۴۱۵: ۱۰، مقدمه محقق؛ ذهبی، ۱۴۰۸: ۱۹/۱، مقدمه محقق). در نتیجه شناخت این دسته از راویان، مصونیت از به خطا افتادن در شناسایی راویان را در پی دارد (سناوی، ۱۴۲۴: ۲۱۲/۴).

از دیگر فواید بحث از اسامی و کنیه‌های راویان، تمییز بین راویانی که اسامی مشابهی دارند بوسیله کنیه آنها و بلعکس می‌باشد. علاوه بر آن آشنایی به اسامی و کنیه راویان به کشف تدلیس نیز کمک می‌کند؛ چراکه برخی محدثان به قصد تدلیس و تلبیس و پوشاندن ضعف موجود در سند، شیوخ خود را که با کنیه مشهورند را با نام و آنهایی را که با اسمشان مشهورند را با کنیه یاد می‌کنند (مقدمی، ۱۴۱۵: ۱۰، مقدمه محقق). آشنایی با القاب راویان نیز اهمیت خاصی دارد، چراکه ممکن است در اسانید نام راویان ذکر نشود و فقط به القاب آنها اکتفا شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۹: ۳۵/۱). البته در کتاب‌های کنی و القاب بیشتر به کنیه‌ها و القاب صحابه و تابعین توجه شده است.

در بین اهل سنت، کتاب‌های: «الاسامی و الکنی» از ابن حنبل؛ «الکنی» از بخاری؛ «الکنی و الاسماء» از مسلم؛ «التاریخ و اسماء المحدثین و کناهم» از محمد بن احمد، ابو عبدالله مقدمی (م ۳۰۱ق)؛ «اسماء من يعرف بکنیته» و «من وافق اسمه کنیه ابیه» از محمد بن حسین موصلی ازدی (م ۳۷۴ق)؛ «المقتنی فی سرد الکنی» از ذهبی و در شیعه کتاب‌های «الکنی و اللقب» از شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ق) و «ریحانه الادب فی ترجمه من اشتهر بالکنی و اللقب» از محمدعلی خیابانی تبریزی (م ۱۳۷۳ق) از مهمترین تألیفات در این زمینه می‌باشند.

۲-۲- کتب متفق و مفترق

این کتاب‌ها اختصاص به ذکر راویانی دارند که به گونه‌ای دارای مشابهت اسمی می‌باشند ولی در هویت دو شخص یا بیشتر هستند. اتفاق و شباهت اسمی می‌تواند در اسامی راویان، نام پدرانشان، نام جد، کنیه و نسب و غیره باشد (داودی، بی‌تا: ۱۳). همان‌گونه که قبلاً ذکر شد به دلیل اینکه هدف از تألیف این کتب شناسایی راویان و تمییز آنها از یکدیگر است کمتر به جرح و تعدیل آنها پرداخته شده است. از فواید بیان متفق و مفترق؛ تشخیص راویان ثقه از ضعیف، بیان اوهام و جلوگیری از خطاها و اشتباهات در جمع بین دو نفر و یا تفریق یک نفر و نیز آسان کردن بررسی سندهای روایات می‌باشد (داودی، بی‌تا: ۴). در میان شیعه عنوان مشترک بر این نوع از راویان اطلاق شده است (نقیسی، ۱۳۹۱: ۲۳۸).

کتاب‌های «المتفق و المفترق» از محمد بن عبدالله جوزقی (م ۳۸۸ ق)؛ «المتفق و المفترق» و «موضح اوهام الجمع و التفریق» از خطیب بغدادی در بین اهل سنت و کتاب «هدایة المحدثین یا مشترکات کاظمی» از محمد امین کاظمی (م ۱۱۱۱ ق) در شیعه از این نمونه می‌باشند.

۲-۳- کتب مؤتلف و مختلف

اسامی برخی از راویان در شکل و ساختار خطی شبیه به هم، ولی در تلفظ اختلاف دارند (ابن صلاح، ۱۴۰۶: ۳۴۴). این اختلاف ممکن است در حرکات، نقطه‌ها و پس و پیش بودن حروف باشد. شناسایی و ضبط اسامی این راویان و تصحیح تلفظ این اسامی برای جلوگیری از خطاهای احتمالی در تشخیص هویت راویان، بر عهده کتاب‌های مؤتلف و مختلف است. اسامی مؤتلف و مختلف انواع گوناگونی دارند که برای آگاهی از آنها رجوع شود به (ابن‌ماکولا، ۱۴۱۱: ۷/۱، مقدمه محقق). نمونه‌ای از کتب مؤتلف و مختلف، در ذیل ذکر شده‌اند:

«المؤتلف و المختلف» از علی بن عمر دارقطنی (م ۳۸۵ ق)؛ «المؤتلف و المختلف فی اسماء نقله الحدیث» از عبدالغنی بن سعید ازدی (م ۴۰۹ ق)؛ «تلخیص

المتشابه فی الرسم» از خطیب بغدادی؛ «الإكمال فی رفع الارتیاب» از ابن ماکولا (م ۴۷۵ ق)؛ «المشبه فی اسماء الرجال» از ذهبی.

در شیعه نیز «ایضاح الاشتباه فی اسماء الرواه» از علامه حلی و «اضبط المقال فی ضبط اسماء الرجال» از حسن زاده آملی (معاصر) نیز از این نوع کتب هستند.

۲-۴- مشتبه مقلوب

در این نوع اسامی، نام دو راوی هم از لحاظ خطی و هم لفظی شبیه به یکدیگر می‌باشد، ولی تفاوت بین آنها جابه‌جایی نام پدر و نام پسر است (سخاوی، ۱۴۲۴: ۲۸۸/۴). تشخیص این مهم بر عهده کتب خاصی است. نمونه بارز این کتاب‌ها «رفع الارتیاب فی المقلوب فی الاسماء و الانساب» از خطیب بغدادی می‌باشد.

۲-۵- مبهمات

در بعضی از سندهای روایات، اسامی راویان به‌طور مشخص نیامده است و به‌جای آن عبارتهایی همچون «عن ابیه»، «عن اخیه» و یا «عن عمه» و یا الفاظ شبیه به آن ذکر شده است. در برخی دیگر، اسم کوچک راوی بدون هیچ تفصیل و توضیحی آورده شده است. همچنانکه در متن بعضی از روایات نام‌هایی مانند «رجل» یا «امرأه» و یا غیره آمده است و مبهم است. تشخیص و کشف از همه موارد فوق بر عهده کتب مبهمات است.

کتاب‌های «الغوامض و المبهمات» از ازدی؛ «الاسماء المبهمة فی الأنباء المحکمه» از خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق)؛ «تقیید المهمل و تمییز المشکل» از غسانی و «ایضاح الاشکال» از محمد بن طاهر مقدسی، نمونه‌ای از کتب مبهمات می‌باشند.

۳- کتب تبیینی

کتب تبیینی کتاب‌هایی هستند که به منظور افزایش اطلاعات و تبیین نکاتی که در شناخت هر چه بیشتر راویان کمک می‌کند تألیف شده‌اند. این کتاب‌ها خود چند دسته‌اند:

۳-۱- کتب اقران و مدیج

از دیگر کتبی که با اسامی راویان سر و کار دارد کتابهایی هستند که به معرفی راویان اقران و مدیج پرداخته‌اند. اقران راویانی هستند که در سن و اسناد (یعنی روایت از شیوخ) برابر باشند و در صورتی که یکی از آنها از دیگری روایت کند، مقارنه صورت گرفته است (ابن‌صلاح، ۱۴۰۶: ۳۱۰؛ سیوطی، بی‌تا: ۷۱۷/۲)، اما اگر هر دو از هم‌دیگر روایت نقل کنند تدبیج نام دارد (ابن‌صلاح، ۱۴۰۶: ۳۰۹؛ سخاوی، ۱۴۲۴: ۱۶۹/۴). از فواید شناخت مدیج و اقران، شناسایی اشکالات مختلف در اسانید (بن عبدالقادر، ۱۴۲۲: ۱۵)؛ مصون ماندن از خطا در مورد برخی راویان (همان)؛ اطمینان از عدم فزونی در سند و عدم گمان به تبدیل «واو» به «عن» در سند معنعن (سخاوی، ۱۴۲۴: ۱۶۸/۴) می‌باشد. قابل ذکر است که محدثان نسبت به آگاه کردن درباره اقران در سند عنایت خاص داشته‌اند چراکه در توثیق سند روایات اهمیت خاصی دارد (بن عبدالقادر، ۱۴۲۲: ۱۵). شناسایی روایات اقران ما را به شناخت تاریخ ولادت و وفیات راویان راهنمایی کرده و به شناخت طبقات آنها کمک خواهد کرد (همان). البته شناخت این نوع اسانید ارتباط وثیقی با علوم دیگری همچون علم شناخت طبقات، تاریخ ولادت راویان و وفیات آنها، علم روایت اکابر از اصاغر به اضافه علم جرح و تعدیل و اطمینان از مرویات شیوخ حدیثی دارد (همان).

کتاب‌های «الاقران» از مسلم؛ «الاقران» از ابی‌شیخ اصفهانی؛ «مدیج» از دارقطنی؛ «التعریج علی التدبیج» و «الافنان فی روایه الاقران» از ابن‌حجر عسقلانی از این نوع کتب می‌باشند.

۳-۲- اخوه و اخوات

کتاب‌هایی هستند که راویانی که بین آنها نسبت خواهری یا برادری و یا خواهربرادری وجود دارد ذکر شده و تعداد آنها نیز مشخص می‌شود (ابن‌صلاح، ۱۴۰۶: ۳۱۰؛ سیوطی، بی‌تا: ۷۱۹/۲). از فواید شناخت راویانی که با هم برادر هستند، مصونیت از خطا افتادن از برادر دانستن دو راوی که با هم برادر نیستند، به سبب شباهت نام پدران آنها می‌باشد (سخاوی، ۱۴۲۴: ۱۷۲/۴؛ سیوطی، بی‌تا: ۷۲۰/۲).

کتاب‌های «الاخوه و الاخوات» از علی بن عبدالله مدینی (م ۲۳۴ق)؛ «الاخوه و الاخوات» از مسلم و «الاخوه و الاخوات» از ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ق) در این زمینه تألیف شده‌اند.

۳-۳- اسامی مفرد

در این کتاب‌ها اسامی راویانی آمده است که در بین راویان دیگر اسم شبیه به خود نداشته باشند. مانند کتاب «طبقات الاسماء المفردة من الصحابه و التابعين و اصحاب الحديث» از احمد بن هارون بردیجی (م ۳۰۱ق). همچنانکه در بعضی از آنها اسامی راویانی آمده است که فقط یک نفر از آنها روایت کرده است. فائده شناخت این راویان این است که با آگاهی از اینکه حداقل یک نفر از آنها روایت کرده است از مجهول بودن خارج شده و روایت آنها اعتبار می‌یابد (ابن‌صلاح، ۱۴۰۶: ۳۲۱). کتاب «تسمیه من لم یرو عنه غیر رجل واحد» از نسائی از این نمونه است.

۳-۴- سابق و لاحق

در این کتب اطلاعات دیگری درباره برخی راویان ارائه می‌شود. از جمله این اطلاعات، شناخت دو راوی می‌باشد که از یک شیخ روایت کرده‌اند و بین زمان وفات این دو راوی فاصله زیاد و قابل ملاحظه‌ای وجود دارد و یکی متقدم و دیگری متاخر باشد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۱: ۹، مقدمه محقق).

به نظر برخی دانشمندان، آگاهی از این نکات و موارد، از مزایا و کارهای زینتی محدثان است و از مهمات نیست (ابن‌کثیر، بی‌تا: ۲۰۵)؛ اما از نظر برخی دیگر، دانستن این نکات دارای فوایدی همچون دوری از گمان به اسقاط در سند به دلیل فاصله زمانی بین وفات دو راوی، شناخت سند عالی و نازل، شناخت راویان قدیمی یک شیخ و نیز راویان آخر وی که روایاتش را با آنها به پایان رسانده است و بالأخره احساس زیبایی علو اسناد در نفوس می‌باشد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۱: ۱۰، مقدمه محقق؛ سخاوی، ۱۴۲۴: ۱۹۳/۴). یکی از این کتب، کتاب «السابق واللاحق فی تباعد ما بین وفاه راویین عن شیخ واحد» از خطیب بغدادی می‌باشد.

۳-۵- انساب

این نوع کتاب‌ها علاوه بر ترجمه کامل افراد مختلف به خصوص راویان و جرح و تعدیل آنها، در مورد نسب آنها اطلاعات کاملی ارائه می‌دهند. نسبتی که به افراد داده می‌شود ممکن است به دلیل انتساب آنها به یک شهر یا منطقه‌ای خاص، شغل، لقب و یا انتساب به بزرگ قبیله و یا جد و غیره باشد. از مهمترین این کتب، «الانساب» نگاشته عبدالکریم بن محمد سمعانی (م ۵۶۲ ق) است.

قابل یادآوری است که تقسیم‌بندی کتب رجالی به روش فوق صرفاً جهت آگاهی بهتر از انواع آنها بوده و شاید به صورت دقیق نیامده باشد، چراکه بعضی از این کتب می‌توانند در چند گروه متفاوت جای بگیرند. برای نمونه، کتاب «طبقات المدلسین» می‌تواند هم در گروه طبقات و هم در قسمت مدلسین ذکر شود. همچنین کتاب «تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر...» از ذهبی می‌تواند جزو قسمت‌های تاریخ، وفیات و مشاهیر گروه‌بندی شود. همچنین کتاب رجالی آیت الله خویی هم در بین کتب رجال و هم در کتب طبقات جای می‌گیرد.

همان‌گونه که در ابتدای این مقاله ذکر شد دلایل و زمینه‌های مختلف باعث شده است که دانشمندان اسلامی، کتاب‌های رجالی گوناگونی در عرصه معرفی و شناسایی راویان تألیف کنند. البته در بعضی از گونه‌ها و با توجه به اهمیت بیشتر آنها، تألیفات بیشتری نسبت به گونه‌های دیگر صورت گرفته است. برای نمونه تا پایان قرن پنجم، در موضوع ضعفا ۲۵ کتاب و در موضوع ثقات ۴ کتاب تألیف شده‌اند؛ همچنانکه در جمع بین ثقات و ضعفا، در طول قرن‌های ۳، ۴ و ۵ هجری، ۲۵ کتب تألیف شده‌اند (ابن شاهین، ۱۴۰۹: ۱۱، مقدمه محقق).

۴- کتب تکمیلی (تکمیل، تذهیب و تنقیح کتب رجالی)

یکی دیگر از دلایل مهمی که باعث فراوانی و افزایش تألیفات رجالی شده است ناقص بودن، وجود سهو و خطا، عدم مرتب بودن، تکرار زیاد و غیره در کتب رجالی قبلی می‌باشد که سبب شده است دانشمندان بعدی به تکمیل، تذهیب، ترتیب و خلاصه آنها پردازند و تألیفات رجالی جدیدی در این زمینه پدید آورند، که از آنها

به‌عنوان کتب تکمیلی یاد کرده‌ایم. قابل ذکر است که کتب تکمیلی می‌توانند جزو یکی از اقسام ۳ گانه پیشین، شمرده شوند.

برای نمونه در بین کتب رجالی اهل سنت کتاب «تهذیب الکمال فی اسماء الرجال» از یوسف مزی، همان‌گونه که از نام آن پیداست، تهذیب کتاب «الکمال فی اسماء الرجال» مقدسی است و کتاب «تهذیب التهذیب» ابن حجر عسقلانی تهذیب و ترتیب «تهذیب الکمال» مزی است.

در کتب شیعه نیز کتاب «اختیار معرفه الرجال» از طوسی، گزیده کتاب «معرفه الرجال» کشی است. کتاب «التحریر الطاووسی» از حسن بن زین الدین عاملی (م ۱۰۱۱ ق) نیز ترتیب و تهذیب «حل الاشکال» سید احمد بن طاووس (م ۶۷۳ ق) و «قاموس الرجال» از شیخ محمد تقی شوشتری (معاصر) نیز تصحیح مطالب کتاب «تنقیح المقال» مرحوم مامقانی (م ۱۳۵۱ ق) است.

همچنین کتب «الفهرست» شیخ منتجب الدین و «الفهرست» ابن شهر آشوب، تکمله کتاب «الفهرست» شیخ طوسی است که در بخش کتب «فهارس» ذکر گردیدند.

نتیجه‌گیری

اهمیت ارزیابی روایات موجود در منابع روایی فریقین باعث توجه رجالیون به سند این روایات شده است. از آنجا که بدنه اصلی سند روایات، راویان و یا به اصطلاح رجال آن هستند، تلاش زیادی جهت شناساندن و اعتبارسنجی این راویان از جانب دانشمندان رجالی صورت گرفته است که ثمره این تلاش و کوشش، تألیفات گسترده رجالی توسط ایشان می‌باشد. کتب رجالی که هر کدام از آنها برای شناساندن همه یا گروهی از راویان می‌باشند با انگیزه‌های متفاوت و با تنوع گوناگونی تألیف شده‌اند. خلاصه‌ای از دلایل متنوع بودن کتب رجالی و نیز انگیزه تألیف آنها که در این مقاله به آنها پرداخته شد در ذیل آمده است:

۱. خصوصیات گوناگون راویان در ضعف و ثقه بودن و غیره و لزوم معرفی و شناسایی آنها.

۲. اهمیت بعضی از کتب حدیثی و لزوم شناخت و جرح و تعدیل راویان روایات آنها.
۳. جایگاه برخی رجالین و اهمیت نظرات آنها در جرح و تعدیل راویان.
۴. لزوم شناخت راویان برابر در سن و ملاقات شیوخ جهت اعتبار بخشی به روایات.
۵. جایگاه صحابه و نقش آنها در توسعه و گسترش میراث حدیثی.
۶. اهمیت دادن و تعصب نسبت به معرفی راویان مذاهب و گرایش‌های مختلف اسلامی.
۷. اهمیت و جایگاه برخی راویان و نقش آنها در میراث حدیثی.
۸. اهمیت تاریخی و فرهنگی بعضی از شهرها و اماکن اسلامی و تعصب نسبت به معرفی دانشمندان و راویان آنها.
۹. جایگاه برخی از دانشمندان مؤلف در میراث حدیثی و لزوم شناخت شیوخ آنها.
۱۰. تشابه اسمی یا تشابه کنیه، لقب، نسب و غیره راویان و لزوم شناسایی آنها جهت جلوگیری از خطاهای احتمالی.
۱۱. ناقص بودن کتب رجالی قبلی و یا نامرتب بودن آنها و یا وجود سهو و خطا در آنها و لزوم تکمیل، تنقیح، تذیل و ترتیب آنها.

کتاب‌نامه

۱. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد حنظلی، الجرح و التعدیل، طبعه مجلس دائره العثمانيه، حیدرآباد الدکن هند، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۲۷۱.
۲. ابن ابی یعلی، محمد بن محمد، طبقات الحنابلہ، تحقیق، محمد حامد الفقی، بیروت، نشر دار المعرفه، بی‌تا.
۳. ابن الاثیر، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم جزری، اسد الغابه، بیروت، نشر دار الفکر، ۱۴۰۹.
۴. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، صفه الصفوه، تحقیق، احمد بن علی، قاهره، نشر دار الحدیث، ۱۴۲۱.
۵. ابن العجمی، ابراهیم بن محمد بن سبط، التبیین لأسماء المدلسین، تحقیق، یحیی شفیق حسن، بیروت، نشر دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶.
۶. ابن حبان، محمد بن حبان ابوحاتم بستی، المجروحین، تحقیق، محمود ابراهیم زاید، حلب سوریه، نشر دار الوعی، ۱۳۹۶.
۷. —، مشاهیر علماء الامصار، تحقیق، مرزوق علی ابراهیم، منصوره مصر، نشر دار الوفاء، ۱۴۱۱.
۸. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق، عادل احمد عبدال موجود و علی محمد عوض، بیروت، نشر دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵.

۹. — نزه الالباب فی الالقاب، تحقیق، عبدالعزيز محمد بن صالح السديري، رياض، نشر مكتبه الرشد، ۱۴۰۹.
۱۰. — تعريف اهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس، تحقيق، عاصم بن عبدالله القريوني، عمان اردن، نشر مكتبه المنار، ۱۴۰۳.
۱۱. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل شيباني، الأسماء و الكنى، تحقيق، عبدالله بن يوسف الجديع، كويت، نشر مكتبه دار الاقصى، ۱۴۰۶.
۱۲. ابن حيويه، ابوالحسن محمد بن عبدالله نيشاپورى، من وافقت كنيته كنيه زوجه من الصحابه، الدمام السعوديه، نشر دار ابن القيم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. ابن خياط، ابو عمرو خليفه بن خياط شيباني بصرى، طبقات خليفه بن خياط، تحقيق، سهيل زكار، بى جا، نشر دار الفكر، ۱۴۱۴.
۱۴. ابن سعد، محمد بن سعد بصرى زهرى، الطبقات الكبرى، تحقيق، احسان عباس، بيروت، نشر دار صادر، ۱۹۶۸.
۱۵. ابن شاهين، عمر بن احمد بغدادى، تاريخ اسماء الضعفاء و الكذابين، تحقيق، عبدالرحيم محمد احمد قشقرى، بى جا، بى نا، ۱۴۰۹.
۱۶. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، معرفة انواع علوم الحديث، تحقيق، نورالدين عتر، سوريه- بيروت، نشر دارالفكر و دارالفكر المعاصر، ۱۴۰۶.
۱۷. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله قرطبي، الإستيعاب فى معرفة الاصحاب، تحقيق، على محمد البجاوى، بيروت، نشر دار الجيل، ۱۴۱۲.
۱۸. ابن عدى جرجانى، ابو احمد عبدالله بن عدى، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق، يحيى مختار غزاوى، بيروت، نشر دار الفكر، ۱۴۰۹.
۱۹. ابن عساکر، على بن حسن بن هبه الله، تاريخ دمشق، تحقيق، عمرو بن غرامه العمروى، بى جا، نشر دار الفكر، ۱۴۱۵.
۲۰. ابن كثير، اسماعيل بن عمر دمشقى، طبقات الشافعيين، تحقيق، د. احمد عمر هاشم و د. محمد زينهم محمد عزب، بى جا: نشر مكتبه الثقافيه الدينيه، ۱۴۱۳.
۲۱. — الباعث الحثيث، تحقيق: احمد محمد شاكر، چاپ دوم، بيروت، نشر دار الكتب العلميه، بى تا.
۲۲. ابن ماكولا، على بن هبه الله، الإكمال فى رفع الارتباب عن الموتلف و المختلف، بيروت، نشر دار الكتب العلميه، ۱۴۱۱.
۲۳. ابن منجويه، ابوبكر احمد بن على، رجال صحيح مسلم، تحقيق، ليشى، بيروت، نشر دار المعرفه، ۱۴۰۷.
۲۴. ابن منده، ابو عبدالله محمد بن اسحاق عبيدى، معرفة الصحابه، تحقيق، د. عامر حسن صبرى، بى جا، نشر مطبوعات جامعه الامارات العربيه المتحده، ۱۴۲۶.
۲۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت، نشر دار صادر، ۱۴۱۴.
۲۶. ابو نعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، معرفة الصحابه، تحقيق، عادل بن يوسف العزاوى، رياض، نشر دار الوطن، ۱۴۱۹.
۲۷. — تاريخ اصبهان، تحقيق، سيد كسروى حسن، بيروت، نشر دار الكتب العلميه، ۱۴۱۰.
۲۸. ابى شيخ اصفهاني، ابو محمد عبدالله بن محمد انصارى، طبقات المحدثين باصبهان و الواردين عليها، تحقيق، عبدالغفور عبدالحق بلوشى، چاپ دوم، بيروت، نشر مؤسسة الرساله، ۱۴۱۲.

۲۹. اثری، اکرم بن محمد زیاده فالوجی، معجم شیوخ الطبری، تقدیم، باسم بن فیصل جوایره و همکاران، اردن-قاہرہ، نشر دار الاثریہ و دار ابن عفان، ۱۴۲۶.
۳۰. ازہری، محمد بن احمد، تہذیب اللغہ، تحقیق، محمد عوض مرعب، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱.
۳۱. باجی، ابوالولید سلیمان بن خلف، التعديل والتجريح لمن خرج له البخاری فی الجامع الصحیح، تحقیق، د. ابولبابہ حسین، ریاض، نشر دار اللواء، ۱۴۰۶.
۳۲. بروجردی، سید علی اصغر، طرائف المقال، تحقیق، سید مهدی رجائی، قم، نشر مکتبہ آیت اللہ مرعشی نجفی، ۱۴۱۰.
۳۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، رجال (طبقات)، تحقیق، محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، تہران، انتشارات دانشگاه تہران، ۱۳۴۲.
۳۴. بن عبدالقادر، موفق بن عبداللہ، المدیح و رواية الاقران، مدینہ منورہ، نشر الجامعہ الاسلامیہ، ۱۴۲۲.
۳۵. جرجانی، حمزہ بن یوسف قرشی، تاریخ جرجان، تحقیق، محمد عبدالمعید خان، چاپ چہارم، بیروت، نشر عالم الکتب، ۱۴۰۷.
۳۶. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، السابق و اللاحق، تحقیق، محمد بن مطر زہرانی، ریاض، نشر دارالصمیمی، ۱۴۲۱.
۳۷. خلف، نجم عبدالرحمن، معجم الجرح و التعديل لرجال السنن الکبری، بی‌جا، نشر دار الراہ، ۱۴۰۹.
۳۸. دارمی، عبداللہ بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۹. داودی، یوسف بن جودہ، المتفق والمفترق فیمن ذکر بکنیتہ من الرواة فی الکتب الستہ، شبین الکوم مصر، نشر دار الاندلس، بی‌تا.
۴۰. دمشقی صالحی، ابو عبداللہ محمد بن احمد، طبقات علماء الحدیث، تحقیق، اکرم البوشی و ابراہیم الزیق، چاپ دوم، بیروت، نشر موسسۃ الرسالہ، ۱۴۱۷.
۴۱. دولابی، ابویشر محمد بن احمد انصاری، الکنی و الاسماء، تحقیق، ابوقتیبہ نظر محمد الفاریابی، بیروت، نشر دار ابن حزم، ۱۴۲۱.
۴۲. ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد، المقتنی فی سرد الکنی، تحقیق، محمد صالح عبدالعزیز المراد، مدینہ منورہ، نشر المجلس العلمی بالجامعہ الاسلامیہ، ۱۴۰۸.
۴۳. — المغنی فی الضعفاء، تحقیق: نورالدین عتر، بی‌جا، بی‌تا.
۴۴. — دیوان الضعفاء والمتروکین، تحقیق، حماد بن محمد انصاری، چاپ دوم، مکہ، نشر مکتبہ النهضہ الحدیثہ، ۱۳۸۷.
۴۵. ساعدی، حسین، المعلی بن خنیس، قم، نشر دار الحدیث، ۱۴۲۵.
۴۶. سبکی، تاج الدین عبدالوہاب بن تقی الدین، طبقات الشافعیہ الکبری، تحقیق، محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمد حلو، چاپ دوم، بی‌جا، نشر ہجر، ۱۴۱۳.
۴۷. سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، فتح المغیث، بی‌جا، نشر مکتبۃ السنہ، ۱۴۲۴.
۴۸. سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی، تحقیق، ابوقتیبہ نظر محمد الفاریابی، بی‌جا، نشر دارطیبہ، بی‌تا.
۴۹. عجلی، ابوالحسن احمد بن عبداللہ، تاریخ الثقات، بی‌جا، نشر دار الباز، ۱۴۰۵.
۵۰. عقیلی، محمد بن عمرو مکی، الضعفاء الکبیر، تحقیق، عبدالمعطی امین قلجعی، بیروت، نشر دار المکتبۃ العلمیہ، ۱۴۰۴.

۵۱. علائی، صلاح‌الدین خلیل بن کیکلندی، المختلطین، تحقیق، رفعت فوزی عبدالمطلب و علی عبدالباسط مزید، قاهره، نشر مکتبه الخانجی، ۱۴۱۷.
۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق، مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، بی‌جا، نشر دار و مکتبه الهلال، بی‌تا.
۵۳. کلاباذی، احمد بن محمد ابونصر البخاری، رجال صحیح البخاری (الهدایه و الارشاد)، تحقیق: عبدالله لیثی، بیروت، نشر دار المعرفه، ۱۴۰۷.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷.
۵۵. مغربی افریقی، ابو العرب محمد بن احمد بن تمیم، طبقات علماء افریقیه، بیروت، نشر دار الکتب اللبنانی، بی‌تا.
۵۶. مقدمی، ابو عبدالله محمد بن احمد، التاریخ و اسماء المحدثین و کناهم، تحقیق، محمد بن ابراهیم اللحیدان، بی‌جا، نشر دار الکتب و السنه، ۱۴۱۵.
۵۷. منصور، ابوالطیب نایف بن صلاح، ارشاد القاصی و الدانی الی تراجم شیوخ الطبرانی، تقدیم، سعد بن عبدالله الحمید، ریاض - امارات، نشر دار الکیان و مکتبه ابن تیمیه، بی‌تا.
۵۸. —، الدلیل المغنی لشیوخ الإمام ابی الحسن الدارقطنی، تقدیم، سعد بن عبدالله الحمید و حسن مقبولی الادهل، السعودیه، نشر دار الکیان، ۱۴۲۸.
۵۹. نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، مشیخه النسائی، تحقیق، الشریف حاتم بن عارف العونی، مکه، نشر دار عالم الفوائد، ۱۴۲۳.
۶۰. نفیسی، شادی، درایه الحدیث، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۶۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، الکنی و الأسماء، تحقیق، عبدالرحیم محمد احمد القشقری، مدینه منوره، نشر عماده البحث العلمی بالجامعه الاسلامیه، ۱۴۰۴.
۶۲. —، صحیح مسلم، بیروت، نشر دار الجیل، بی‌تا.